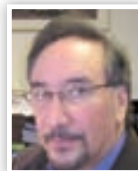




نمایندگان نخستین دوره مجلس شورای ملی

دکتر همایون کاتوزیان در پاسخ به پرسش های خراسان



رضا خان مهمترین دستاورد مشروطه را از بین برد

و علاوه بر حکومت قانون، نوعی دموکراسی را که برای زمان و مکان خود مناسب بود، طراحی کردند. از سوی دیگر، در تاریخ ایران، هرگاه یک دولت استبدادی سقوط می کرد، جامعه دچار هرج و مرج می شد، یعنی ملت رفتاری خودسرانه در پیش می گرفت. همین اتفاق پس از پیروزی مشروطه خواهان و خلع محمد علی شاه نیز پیش آمد؛ به نحوی که پس از جنگ جهانی اول، هرج و مرج و یاغیگری چنان جامعه را فرا گرفته بود که هر زمان گمان می رفت کشور از هم بپاشد و قطعه قطعه شود؛ همچنان که در دوره های گذشته اتفاق افتاده بود. کودتای «سیدضیاء» و «رضا خان» نتیجه چنین شرایطی بود. از همان اوایل سال ۱۳۰۰ ه. ش رضا خان، رفته رفته، تبدیل به یک دیکتاتور شد. باید توجه داشته باشید که دیکتاتوری، اگر چه شباهت هایی به استبداد دارد، ولی اساساً با آن متفاوت است. دیکتاتوری، چنان که از نامش برمی آید، یک سیستم فرنگی است که با وجود قرار داشتن یک شخص مقتدر در رأس آن، حکومت وی فردی نیست؛ حکومت اقلیت است و هیئت های حاکمه در آن سهیمند. دیکتاتوری رضا خان، که در سال ۱۳۰۴ ه. ش به تشکیل سلسله پهلوی منجر شد، در دهه ۱۳۰۰ ه. ش فزاینده بود تا این که در حدود سال ۱۳۱۰ ه. ش به استبداد تاریخی ایران، یعنی حکومت فردی یا به قول رضا خان «حکومت یک نفره» بدل شد. مهمترین دستاورد رضا خان، در همان اوایل حکومتش، فرو نشاندن هرج و مرج بود. پس از آن هم اصلاحاتی در جهت تجدید کرد که معروف است؛ اما حکومت او در دهه ۱۳۱۰ ه. ش، یک حکومت استبدادی مدرن بود و به این ترتیب، مهمترین دستاورد انقلاب مشروطه را از بین برد. پس از رفتن رضاشاه در سال ۱۳۲۰ ه. ش، باز دوره ای از هرج و مرج آغاز شد، اما در ظاهر، حکومت، مشروطه بود و محمدرضا شاه، پادشاه مستبدی به حساب نمی آمد. کودتای ۲۸ مرداد ماه سال ۱۳۳۲ دوره دومی از دیکتاتوری را پدید آورد؛ اما این نیز دیری نپایید و ۱۰ سال بعد، در سال ۱۳۴۲

جنبش مشروطه ثمره سال ها مبارزه و تحمل سختی های فراوان بوده است. مردم ایران برای تحقق «تحدید قدرت» و «نضج گرفتن دموکراسی تلاش بسیاری کرده اند. با توجه به این که رضا خان حدود ۱۹ سال پس از پیروزی جنبش مشروطه، زمام امور را در دست گرفت، تحلیل خود را درباره سر نوشت میراث مشروطیت و نسبت آن با عملکرد رضا و محمدرضا پهلوی بیان فرمایید.

جنبش مشروطه، در نیمه دوم قرن نوزدهم، در وهله نخست برای از بین بردن استبداد و استقرار حکومت قانون آغاز شد. یکی دیگر از هدف های بزرگ انقلاب مشروطه «تجدد» بود که گروه های گوناگون، هر یک به سلیقه خود، در پی آن بودند. با این حال، هدفی که همه انقلابیون را با هم متحد می کرد، همان برچیدن استبداد و استقرار قانون بود. در واقع قانون به لفظی مقدس بدل شده بود که در مقالات، بیانیه ها، شعار ها و شعر های آن دوران مکرراً مورد استفاده قرار می گرفت. می دانید که استبداد به معنای «خودسری» است. حکومت های ایران، تا آن زمان، خودسرانه و استبدادی بودند؛ یعنی قانونی وجود نداشت که رفتار آن ها را به حدودی محدود کند. حکومت استبدادی در ایران طبیعی تلقی می شد؛ یعنی بدیلی برای آن متصور نبود. در تاریخ ایران اصل بر این بود که حکومت عادل باشد و ظالم نباشد. بیشتر شورش هایی که واقع می شد مبتنی بر همین مسئله بود، یعنی اعتراض مردم به ظلم حکام نه استبداد آن ها و گرنه در استبدادی بودن حکومت هیچ کس تردیدی نداشت. آشنایی نخبگان و روشنفکران، از جمله رؤسا و کارگزاران، با اروپای قرن نوزدهم و نوع حکومت هایی که در آن وجود داشت به آن ها نشان داد که برای استبداد بدیلی وجود دارد و آن حکومت قانون است؛ یعنی حکومتی که منوط، مشروط و مقید به قانون باشد. با این حال در کارزار انقلاب، مشروطه خواهان از این نیز فراتر رفتند



جنبش مشروطه، در تاریخ ایران، یک نقطه عطف است. تغییر نظام استبدادی به نظامی که در آن قانون، به جای امیال شخصی شاه، معیار و ملاک عمل بود، مهمترین دستاورد این واقعه بزرگ تاریخی است. این میراث گرانبهادر حاصل مجاهدت ها و مبارزات دلیر مردان و شیر زنان ایران بود. با این حال میراث مشروطه، کمتر از بیست سال بعد با بحرانی جدی روبه رو شد. به قدرت رسیدن رضا خان و رویکرد دیکتاتوری او که چندی بعد به یک استبداد مدرن تبدیل شد، مهمترین بخش از میراث مشروطه، یعنی حکومت قانون را از بین برد. با تبعید رضا خان به مورس و فروپاشیدن حکومت استبدادی وی، به نظر می رسید میراث مشروطه و به خصوص مهمترین بخش آن، یعنی حکومت قانون، دوباره احیا شود؛ اما کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و چندی بعد، واقعه خونین ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲، استبداد مدرن را، این بار، با محوریت محمدرضا پهلوی به وجود آورد. دکتر همایون کاتوزیان، پژوهشگر برجسته تاریخ معاصر ایران و استاد دانشگاه آکسفورد در پاسخ به پرسش های خراسان به موضوع نسبت میان میراث مشروطه و حکومت های پهلوی اول و دوم پرداخته که بر سیاق معمول دیدگاه های ایشان، رویکردی تحلیلی و بدیع دارد.

جواد نوائیان رودسری